

پرسی تقریب الامة در «الفصول المهمة»

محمد قاسم مبارز



الفصول المهمة في معرفة الامة. ابن الصباغ، حقه
و علق عليه: سامي الغريبي.

پیشگفتار

واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا واذكروا نعمت الله عليكم إذ
كنتم أعداء فالألف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخواناً وكنتم على
شفا حفرة من النار فأنقذكم منها^۱.

توجه به مفهوم، شأن نزول و پیام این آیه مبارکه ما را ملزم می کند
با تکیه بر محورهای مشترک دست از تفرقه برداشته نغمه وحدت
کلمه و امت واحد را سر دهیم. تأکید آیه روی سه محور بیش از
دیگر مسائل محسوس است:

۱. اهتمام به محورهای مشترک «که در یک امت دینی و
اسلامی محور مشترک جز دستورات الهی و آنچه که خداوند از
آن به «حبل الله» یاد می کند نیست».
۲. نهی از تفرقه و آنچه که موجب عداوت و دشمنی و در
نهایت پراکندگی مسلمانان می گردد.
۳. ضرورت همبستگی، همدلی و اتحاد میان مسلمانان تا
جایی که از آن به نعمت درخور امتنان یاد می کند. در نهایت توجه
به این امور و رعایت آن را موجب هدایت و پیروزی مسلمانان
معرفی می کند.

رهنمودهای صریح و روشن قرآن، تجربه تاریخ اسلامی و
همچنین درک عمیق شرف الدین (ره) باعث شد که این عالم و
دانشمند دردمند به مسائل فوق توجه ویژه داشته باشد. او با درک
این مطلب که اسلام خود یک روز وسیله اتحاد و آلفت اقوام
پراکنده ای گردید که به گفته قرآن «بر لبه پرتگاه آتش قرار
داشتند»، اسلامی که امروزه بهانه ای شده است برای پراکندگی
مسلمانان، به عبارت دیگر عین مابه الاجتماع دیروز، امروزه
متمسک افتراق برای متعصبین گردیده است که به سبب درک
نادرست از اسلام دست به تکفیر مسلمانان می زنند و آنان را
خارج از دین معرفی می کنند آستین همت بالا زد تا بار دیگر
اسلام را به جایگاه اولی برگرداند و با ارائه تعریف درست و
جامع از اسلام آن را وسیله اتحاد معرفی کند. به همین جهت
اکثر آثار او حاوی اهمیت دادن او به وحدت مسلمانان می باشد.

۱. آل عمران/۳، آیه ۱۰۳.

او در مورد مقدمه کتاب النص والاجتهاد می گوید: فرزندم، مقدمه این کتاب به قلم تو خواهد بود... چه این که اگر دیگری بنویسد چنان که می باید از عهده بر نیاید و به مقاصد من که حفظ وحدت امت اسلامی و پیوند دل های مسلمانان است پی نبرد.^۲ اما کتاب فصول المهمه مستقلاً در این باب تألیف گردیده است، لذا بررسی این کتاب ارزشمند می تواند بیشترین اندیشه ایشان را در زمینه اتحاد مسلمانان و چگونگی آن منعکس سازد.

فصل اول: کلیات

در این فصل لازم است نگاه مختصر به زندگی علامه شرف الدین (ره)، تدوین الفصول المهمه و شرایط حاکم بر نگارش آن را بررسی نماییم تا دورنمایی از شخصیت علامه و اهمیت این کتاب روشن گردد.

زندگی علامه شرف الدین

سید عبدالحسین شرف الدین در سال ۱۲۹۰ قمری در کاظمین از پدر و مادر مذهبی (سید یوسف شرف الدین و زهرا دختر سید هادی صدر (ره)) قدم به عرصه وجود گذاشت. نسب او «از طریق پدر با سی واسطه»^۳ به امام کاظم (ع) منتهی می شود.

علوم مقدماتی مثل تعلیم قرآن و ادبیات عرب و منطق و... را نزد پدر خویش تلمذ نمود، سپس راهی نجف اشرف شده و در موضوعات فقه، اصول، حکمت، کلام، تفسیر، حدیث و... نزد شیخ حسن کربلایی، شیخ محمد طه نجف، محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی و... به تحصیل و تعمق پرداخت.

به ۳۲ سالگی نرسیده بود که به مرحله اجتهاد رسید، البته در اوایل طلبگی و تحصیل به وضوح آشکار بود که میان شاگردان و دانش آموزان از امتیاز و دقت خاصی برخوردار بودند. با اخذ مجوز اجتهاد از سوی علما در سال ۱۳۲۲ قمری به موطن پدری خویش «جبل العامل» برگشت و از سوی مردم استقبال گرم و باشکوهی برای علامه صورت پذیرفت. خصلت متواضعانه اخلاق رفیع و کریمانه، سعه صدر، عظوفت و مهربانی، قدرت و توانایی علمی و سجایای زیبای اخلاقی او، باعث مکانت و اُلفت روزافزون او در دل مردم می گشت و هر روز که می گذشت علامه شرف الدین از محبوبیت بیشتر میان شیعیان لبنان برخوردار می شد.

مدتی بعد از مراجعه به جبل العامل، پدر و پرادرش را از دست داد. در سال ۱۳۲۹ قمری در مصر سفر نمود. در همین سفر بود که قدم مهم و میمون و مبارک را عملاً در راه اتحاد و همبستگی مسلمانان برداشت و با علمای مصر به خصوص

رئیس الازهر در آن وقت «شیخ سلیم البشیری» به گفتگو و مذاکره پرداخت. نتیجه این جلسات و مذاکرات و تبادل نامه ها بود که کتاب عظیم المراجعات به جامعه مسلمانان عرضه گردید.

علامه شرف الدین (ره) به عنوان یک رهبر اجتماعی و مصلح و زعیم ملی و کسی که خطر اشغال گری و حضور بیگانگان را در کشورهای اسلامی درک کرده است و فتوای جهاد و قیام علیه استعمار داده است مورد تعقیب و تحکیم حکم اعدام از سوی فرانسوی ها قرار گرفت و به همین منظور، فرانسویان فرد مسیحی را که از اهالی ضور بود و «ابن الحجّاج» نام داشت جهت دستگیری شرف الدین (ره) و اشغال خانه و ضبط اسناد و مدارک به منزل او فرستادند که با ناکامی ابن حجّاج از خانه علامه برگشت.

بار دیگر فرانسویان به خانه شرف الدین در شهر «شحور» حمله بردند و خانه ایشان را آتش زدند. در این حادثه و همچنین سوزاندن خانه علامه شرف الدین در «صور» بود که بهترین آثار و تألیفات مخطوط و غیر مخطوط علامه سوخت و برای علامه بسیار سخت تمام شد تا جایی که بارها می گفت: اندوه فقدان اولاد از میان می رود، ولی اندوه فقدان افکار بکر، طولانی و مادام العمر می ماند.^۴

بر اثر تعقیب فرانسویان علامه از لبنان خارج شد و به شام رفت، اما پس از اشغال شام به دست فرانسویان به فلسطین و سپس به مصر مهاجرت نمود و بالاخره در سال ۱۳۳۸ قمری با وساطت پسر دایی خویش «سید محمد صدر» که از جایگاه و احترام رفیع پیش فرانسویان برخوردار بود به موطن خویش بازگشت.

از آن پس سید به حل مشکلات مردم و کارهای علمی و تأسیس مؤسسات خیریه پرداخت و در سال ۱۳۵۵ قمری شرفیاب عتبات مقدسه در نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد مقدس شد. بالاخره در هشتم و دهم یا سیزدهم جمادی الثانی^۵ ۱۳۷۷ قمری در لبنان در گذشت و جسد مطهر او به نجف منتقل و در میان غم و اندوه شیعیان در صحن مطهر حضرت امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپرده شد.^۶

فضایل علمی و اخلاقی شرف الدین

اندیشمند معاصر شرف الدین «آغابزرگ طهرانی» که از نزدیک فضایل اخلاقی و قدرت علمی ایشان را درک کرده است

۲. اجتهاد در مقابل نص، ص ۲.

۳. معجم رجال الفكر والادب فی النجف.

۴. اجتهاد در مقابل نص، ص ۱۴ (شرح حال شرف الدین به قلم فرزندش).

۵. معجم رجال الفكر والادب؛ طبقات اعلام الشیعه؛ اجتهاد در مقابل نص.

۶. برگرفته از همان.

و به گفته خودش «آشنایی من و او «شرف الدین» ابتدا در درس شیخ محمد کاظم خراسانی صورت گرفت سپس با مرابطه که با دایی ایشان «سیدحسن صدر» داشتم کامل شد»،^۷ درباره شرف الدین چنین می گوید: او دارای ذهن و قیاد، ذکاوت خاروق، اهل سلیقه، دوراندیش، دارای قدرت معارضه و ... بود. خود و قلم خویش را برای تعلیمات شیعه وقف کرده بود و تاریخ اسلام را با دقتی ترین غربال، صحیح آن را از سقیم جدا کرده بود. حقیقت را از وهم و خیال و حوادث و وقایع تاریخ اسلام را کاملاً تجزیه کرده بود، به احادیث فریقین به تمامه تسلط داشت و بسیاری از امور و حقایق که دیگران دست نیافته بودند او کشف کرد. او امین و نگهبان دین، شمشیر گردن منحرفین و سرباز مخلص و مدافع مکتب بود. او مذهب جعفری را با وضوح و روشنایی، با شیوه جدید و مناسب با روز عرضه کرد و ... تا این که می گوید: «آهو مجتهد فاضل؟ ام متکلم بارع، ام فیلسوف محقق، ام اصولی ضلیح، ام مفسر کبیر، ام محدث صدوق، ام مورخ ثبت، ام خطیب مصق، ام باحث ناقد، ام ادیب کبیر و ... در نهایت می گوید او همه اینها را دارا بود.^۸ گذشته از توصیفات که دیگران از شرف الدین کرده اند، اگر به آثار ایشان توجه شود عظمت و فضل او به خوبی نمایان است. تعدادی از آثار ایشان از این قرار است:

الفصول المهمه، اجوبه موسی جارالله، المراجعات، الکلمه غراء فی تفضیل الزهراء (علیها السلام)، النص والاجتهاد، ابوهریه، الی المجمع العلمی العربی بدمشق، المجالس الفاخره فی ماتم العتره الطاهره، فلسفه المثاق الولایه، مختصر الکلام فی مؤلفی الشیعه فی صدر الاسلام، زکاة الاخلاق، بغیة الفائز فی نقل الخبائر، نوادر عمر، بغیة الراغبین فی آل شرف الدین، سبیل المؤمنین، شرح التبصره، تفسیر آیه مودت، تفسیر آیه انما ولیکم الله، رساله فی منجزات المریض، تعلیقه فی مبحث الاستصحاب من الرسائل، النصوص الجلیله، تنزیل الآیات الباهره فی فضل العتره الطاهره، تحفة العلما فی من اخرج عنه البخاری و مسلم من الضعفاً، تحفة المحدثین فیما اخرج عنه السنة من المستضعفین، تحفة الاصحاح فی طهارت اهل الکتاب، الذریعه فی الرد علی البدیعه، سرّ بغیة السائل من لثم الانامل، الفوائد والفرائد، تعلیقه علی صحیح البخاری، تعلیقه علی صحیح المسلم، الاسالیب البدیعه فی رجحان ماتم الشیعه و ...^۹

حدود بیست اثر اخیر جزء آثار مخطوطی اند که برخی از آنها هنگام احراق منزل شرف الدین در شهر «صور» و «شحرور» سوخته اند و برخی هم برگردانده شده و چاپ گردیده اند.

وقتی به این مجموعه عظیم با آن همه دقت، تسلط، بیان رسا، شیوه مناسب و سعه صدر و امانت داری که ایشان ارائه داده است به اضافه کارهای عملی دیگر همچون اهتمام به وحدت، بحث و مناظره، قیام علیه اشغالگران و ... دقت شود شخصیت و فضائل شرف الدین برای هر شخص اهل فکر و درک روشن خواهد گردید.

معرفی کتاب الفصول المهمه

اسم کامل کتاب الفصول المهمه فی تألیف الامه و اولین تألیف شرف الدین (ره) است که در سال ۱۳۲۷ قمری از تألیف آن فارغ شده است. این اثر نشان می دهد که مسأله وحدت در نزد شرف الدین چه اندازه مهم بوده است که اولین اثرش را به آن اختصاص داده است. به گفته آقابزرگ تهرانی، شرف الدین پس از تألیف فصول المهمه نیز تا آخر عمر این موضوع را دنبال کرد بیشترین اهتمام و وسیع ترین تلاش را در این زمینه انجام داده است.^{۱۰}

این کتاب پس از تألیف اولین چاپ آن در «صیدا» ی لبنان در سال ۱۳۳۰ قمری در قالب یک جلد ده فصلی با محتویات لزوم اجتماع و وحدت در آیات و روایات، معنای اسلام و ایمان، محترم بودن خون و مال گویندگان شهادتین در روایات، تأکید ائمه (ع) بر معاشرت با اهل سنت، احادیث نجات موحدان، فتوهای بزرگان اهل سنت در ایمان اهل توحید، اجتهاد پیشینیان و ثبوت عدالت شان، نقل تکفیر شیعیان، نسبت های ناروا به شیعه و علل افتراق، انجام گرفت و پس از آن، مؤلف دو فصل هفت و یازده در موضوعات «بشارات شیعه در روایات و پایان عصیبت جاهلیت» را نیز به آن افزوده شد. بارها در لبنان، عراق و ایران تجدید چاپ شده است. اصل کتاب به زبان عربی است، ولی به زبان های دیگر از جمله فارسی نیز ترجمه شده است. همچنان که از اسم کتاب پیدا است موضوع آن «وحدت اسلامی با تأکید بر وحدت میان شیعه و سنی» می باشد.

شیوه عمومی نگارش فصول المهمه

۱. روش و شیوه ای که مؤلف در نگارش این کتاب برگزیده است سبک تاریخی و روایی است که از زاویه آیات و روایات و وقایع تاریخی، علل افتراق و عداوت و دشمنی را بررسی و هجمه مخالفین وحدت اسلامی و معترضین مکتب شیعه را به نقد می کشاند.

۷. طبقات اعلام الشیعه، قسمت سوم، جزء اول، ص ۱۰۸۰.

۸. همان.

۹. همان.

۱۰. همان.

داده بود و استعمار انگلیس کشورهای فلسطین و ... را تصرف کرده بود، به علاوه این که حکومت عثمانی ها در ترکیه از هم پاشید. همه این وقایع بی تأثیر در روحیه شرف الدین و اقدام او برای وحدت امت اسلامی، نبوده است.

اما در قسمت دوم: پیش از ذکر عوامل تأثیرگذار در نحوه نگارش مقدمه ای را باید عرضه بدارم و آن، این است که در بیشتر کتب که تحت عنوان تقریب، وحدت، علل اختلاف و راه حل آنها و ... نوشته شده است، می بینیم ناخودآگاه بحث به سوی مسائل اختلافی و طرح مباحث تفرقه آمیز و شیوه منافی وحدت کشانده می شود و از هدف دور البته این مطلب در حد بیان واقعیت و شناساندن راه درست از نادرست اشکال ندارد، بلکه ضروری هم است، اما جدل و توجیه در اثبات کیش خود و رد تمام ارزش های مخالف، آن هم با شیوه ناصحیح، درست نیست.

با این مقدمه وقتی سراغ فصول المهمه می رویم در عین این که رعایت نکات تقریبی لحاظ شده است و با احترام کامل، گام های مهم در راستای هدف برداشته شده است، اما در یک نگاهی ابتدایی به نظر می رسد حداقل در بخش هایی از کتاب، بحث از هدف خود خارج شده است، مثلاً تأکید بیش از حد بر دفاع از مکتب شیعه و تفضیل آن بر دیگر مذاهب، تعریض به عمر و متذکر شدن مباحث تحریک کننده مثل قصه مالک بن نویره، قول عمر «ان الرجل لیهجر» و ... در فصل هشتم تحت عنوان «اجتهاد صحابه و ثبات عدالت آنان نزد اهل سنت» و برخی موارد دیگر.

اما با دقت بیشتر در شرایط و عوامل تدوین این کتاب متوجه خواهیم شد که انتخاب این مطالب نه تنها اثر را از هدف دور نمی کند، بلکه آن را به هدف نزدیک تر می سازد، زیرا اولاً انتخاب این مطالب بیان حقایق تاریخی بیش نیست که برای روشن ساختن تحقق اجتهاد در گذشته ایراد گردیده است، ثانیاً فاصله تدوین فصول المهمه در سال ۱۳۲۷ قمری تا رسمیت یافتن شیعه از سوی اهل سنت در سال ۱۳۷۸ قمری از سوی رئیس وقت الازهر «محمود شلتوت (ره)»^{۱۲} پنجاه و اندی سال می باشد، یعنی این کتاب هنگامی تألیف شده است که مذهب شیعه هنوز غیرقانونی، غیررسمی، اختراعی و شیعیان اهل بدعت و نزد برخی افراد خارج از دین معرفی شده تکفیر می گردد، چنان که شخص مؤلف فصل نهم را در این باب و پاسخ آن نگاشته است.

لذا طبیعی است که تلاش در معرفی شیعه و دفاع از آن و ترجیح آن در این که به رسمیت شناخته شود بهتر به هدف وحدت

۱۱. اجتهاد در مقابل نص، ص ۸.

۱۲. همبستگی ملل اسلامی، ص ۳۰۹؛ شیخ محمود شلتوت طلابه دار تقریب، ص ۱۹۲.

۲. این کتاب در عین این که وحدت مسلمانان را هدف قرار داده است بر ضرورت ها و دفاع از مبانی و اصول مکتب شیعه تأکید کرده است، به عبارت دیگر هیچگاه سعی نکرده است پای مصالحه را به میان آورد و مذهب را فدای مصلحت نماید.

۳. در تمام مباحث کتاب چارچوب عام برای داوری و صدق گفتار، عقل و وجدان قرار داده شده است، چه این که دو مرجع، فطری و همگانی است و هر فرد با هر سلیقه و اندیشه ای که داشته باشد می تواند صحت و سقم ادله و مباحث مطرح را در چارچوب این دو مرجع تشخیص دهد.

۴. در طرح مباحث، رعایت عملی شدن آن در نظر گرفته شده است مثلاً نیامده است از اهل سنت بخواهد دست از فلان مسأله مهم خود بردارید یا شیعه باید برای تقریب به اهل سنت از اصول خویش دست بردارد، چون ممکن نیست و هیچ گاه این کار عملی نیست، اما دعوت بر تأکید روی اصول مشترک عملی است.

شرایط حاکم بر تدوین فصول المهمه

عوامل در این باب را می توان به دو نوع تقسیم کرد:

الف) عواملی که در پیدایش اندیشه وحدت و اصل تدوین این کتاب مؤثر بوده است.

ب) عواملی که در کیفیت نگارش و انتخاب مطالب و جهت دهی این کتاب تأثیرگذار بوده است.

در قسمت اول: علاوه بر تعلیم و تأکید قرآن، روایات، سیره معصومین (ع) و درک و درد شخص مؤلف و همچنین تجربه تاریخ ملل عموماً و اسلام به خصوص می توان به عوامل سیاسی همچون پیشرفت تمدن غرب و استعمار کشورهای اسلامی از سوی غربی ها، اشاره کرد.

این جمله معروف شرف الدین - که در مجله «المنار» بارها درج گردید - که سیاست شیعه و سنی را از هم جدا کرده است و باید سیاست آنها را با هم جمع کند^{۱۱} دال بر همین مطلب است یعنی همان گونه که سیاست های استعماری و بیگانگان امت اسلامی را متفرق و پراکنده کرده است باید هوشیاری مسلمانان و سیاست اسلامی باعث وحدت مسلمانان گردد.

نویسنده در مقدمه فصول المهمه نیز به این نکته تصریح می کند که ما در عصر علم و بیداری و هوشیاری قرار داریم و متوجه شده ایم که جز در سایه وحدت و همبستگی به ترقی و حریت و دستیابی به حقایق و خروج از توحش و عصبیت و بربریت نایل نمی شویم.

در تاریخ حیات شرف الدین نیز اشاره شد که استعمار فرانسه در عصر او کشورهای لبنان، شام و ... را تحت سیطره خود قرار



نزدیک می کند، وحدتی که باید اهل سنت قدم جلو گذارند و شیعه را به رسمیت بشناسند، از سوی دیگر عیب جویی تندروان اهل سنت از شیعه و بزرگ نمایی مسائل حاشیه ای و جزئی در تنقیص شیعه، مؤلف را واداشته است تا به نقیصه های مذهب آنان نیز اشاره کرده ایشان را متنبه نماید.

فصل دوم: تقریب

در این که مقصود و معنای تقریب چیست، نوعی تردید و سوء فهم هایی پیش آمده است، برخی آن را شیعه شدن سنی یا سنی شدن شیعه، تلقی کرده اند و برخی به معنی اندماج و آمیختن فرق اسلامی به هم^{۱۳} یعنی یا برخی فرق اسلام برای وحدت از اصول خویش دست بردارند یا همه مذاهب تحت یک مذهب گسترده درآمده تمام مبانی مذاهب حفظ گردد، در حالی که هیچ کدام نیست، از این رو ضروری می گردد که از تقریب تعریف درست ارائه شده هدف آن روشن گردد تا جایگاه فصول المهمه در تقریب مذاهب مشخص شود.

و بالاخره کلمات زیبا و دلنشین محمدعلی علویه پاشا: یکی از طرح های اساسی دین اسلام از بین بردن تعصبات قومی و عوامل جدایی است و خداوند از جمع پراکنده ملتی یگانه و نیرومند ساخت و میان آنان مهر و الفت قرار داد، ولی پس از مرگ پیغمبر (ص) میان اصحاب در دایره حق و دوران پیشی اختلاف نظر پیش آمد و این اختلاف در دوره های بعد مورد سوءاستفاده قرار گرفت و مسلمانان به تعصب و پراکندگی بازگشتند تا این که قوای شان تحلیل رفت و وطن شان تقسیم گشت و مورد استعمار قرار گرفت. اکنون باید اعتراف کرد که مسلمانان ضعیفند، زیرا در پراکندگی به سر می برند و پراکنده اند به علت این که از معتقدات یکدیگر بی اطلاعند و انسان به چیزی که نمی داند دشمنی می ورزد ولی اگر مسلمانان به هم نزدیک شوند با هم تفاهم می کنند و در نتیجه بسیاری از اختلافات شان از بین می رود.^{۱۷} گرچه پراکنده گویی شد، ولی حیفم آمد اگر این مطالب زیبا را نمی آوردم. با این بیان از تقریب سراغ «فصول» خواهیم رفت.

تعریف تقریب

تقریب به معنای نزدیک کردن است که مستلزم وجود طرفین می باشد و مقصود نزدیک شدن شیعه و سنی «یا فرق» با حفظ کیان طرفین می باشد.^{۱۴} با این تعریف روشن می گردد که مقصود از تقریب نه اندماج و در آمیختن فرق اسلامی، بلکه از بین بردن تعصب عوامل نفاق و شناساندن مسلمانان به یکدیگرند. اما هم عقیده بودن و یکنوع نگرستن تنها در اصول و ضرورت های اسلامی که در تعریف مسلمان بودن دخیل است لازم است نه در تقریب.

اهمیت تقریب در فصول المهمه

همان گونه که اشاره شد شرف الدین (ره) با درک کامل معنا و ستون های تقریب، از یک طرف سرسخت مدافع مکتب شیعه است طوری که وقتی فصول المهمه را ورق می زیم و از زاویه مکتبی و مذهبی به آن می نگریم این گونه به نظر می رسد که مؤلف در سراسر این کتاب در صدد دفاع از شیعه و معرفی آن برای اهل سنت بوده است، از طرف دیگر او چنان به تقریب، گفتگو، زدودن تعصب، شناساندن عقاید درست و تفاهم مذاهب با حضور کیان خویش، عشق می ورزد که گاهی حرف های تفرقه انگیز و عوامل نفاق، ناله او را بلند می کند و فریاد می کشد، برای نمونه:

در فصل دوازدهم با گلایه از شیوه بخاری که حدیث از «عمر بن خطاب» خارجی نقل می کند، همان کسی که در مورد ابن ملجم می گوید «در باره او چنان فکر می کنم که میزان اعمالش از تمام مردم سنگین تر خواهد بود» و به او اعتماد می کند اما یک حدیث هم از سبط اکبر پیامبر (ص) نقل نمی کند. و همچنین با گلایه از ابن خلدون که می گوید «اهل بیت پیغمبر (ص) برخلاف قاعده

اما تقریب از زبان اهل آن: محمدحسین کاشف الغطاء (ره) می گوید: هدف تقریب این است که مسلمانان را به یکدیگر نزدیک سازد و نگذارد اختلافات فقهی و ... موجب عداوت میان آنان گردد... اگر این عمل اختلاف به ذاته حرام نباشد، مسلماً در این عصر که دشمن از هر طرف ما را احاطه کرده است حرام می باشد.^{۱۵} عبدالمجید سلیم می نویسد: اسلام دارای دو نوع قانون است: قوانین قطعی مانند وجود خداوند، پیغمبر، قیامت، روزه، نماز، حج و ... که مورد اختلاف هیچ یک از مسلمانان نیست؛ نوع دیگر ظنی و محل نظر و اجتهاد است مانند برخی از صفات خدا و چگونگی وضو. مجتهدان در این نوع قوانین گاهی به واقع می رسند و گاهی دچار خطا می شوند، ولی هم از نظر شیعه و هم از نظر اهل سنت معذور و مأجورند، لذا پیروان مذاهب فقهی یا کلامی باید یکدیگر را معذور و تحریم بشمارند و از کینه و تهمت به هم احتراز جویند.^{۱۶}

۱۳. همبستگی مذاهب اسلامی، ص ۵.

۱۴. همان.

۱۵. همان، ص ۹۱.

۱۶. همان، ص ۲۵۵.

۱۷. همان، ص ۸۳ (خلاصه کلام).

یاد می‌کند و توقع ضمنی خویش را از او ابراز می‌کند که از او چنین انتظار نمی‌رفت. بالاخره این که آرای اهل سنت را با استدلال و احترام نقد می‌کند.

۲. ارجاع به منابع اصلی: در فصل دهم یکی از علل اصلی نسبت‌های ناروا و دروغ‌پردازی به شیعه را تقلید از گفته‌های پیشینیان و عدم تحقیق، دقت و مراجعه به منابع اصلی شیعه می‌داند. به همین جهت گفتار ابن حزم و شهرستانی و همچنین در فصل یازدهم گفتار رشید رضا صاحب «المنار» را به باد انتقاد می‌گیرد که چرا بدون مراجعه به منابع شیعه یا با اعتماد به گفتار بدون مدرک، عقاید نامفهوم و نامعلوم را به شیعه نسبت می‌دهند. روی این اصل، شخص مؤلف در همه آثارش به خصوص در این کتاب در نقل و نقد عقاید اهل سنت سعی دارد به منابع اصلی خودشان ارجاع دهد تا این که شاید هم سبب اقناع آنها بگردد و هم این که این مسأله تبدیل به یک رویش و فرهنگ گردد و با مراجعه به منابع هر مذهب، جلو تهمت و افترا گرفته شود.

۳. تحمل و بردباری: تحمل در مناظرات و مباحث مذهبی از فردی که اهل تساهل و تسامح باشد چندان عجیب نیست، چون برای او درد شدید ایجاد نمی‌گردد. اما تحمل و شکیبایی در مقابل اهانت‌های مخالفین از سوی افرادی همچون شرف‌الدین که در مکتب اهل بیت ذوب شده است و سخت به آن مهر می‌ورزد جای تحسین دارد. این خصلت او در همه کتاب متجلی است. با آن که با یک سلسله حرکات و حکایات غیر منتظره رویارو می‌شد همچون تهمت‌های ناروا در فصل دهم و تکفیر شیعه در فصل نهم، نقل سکوت دردآور علی (ع) در فصل هشتم، عناد بخاری و ابن‌خلدون با اهل بیت (ع) در فصل دوازدهم و ... دست از رفتار منطقی بر نمی‌داشت و بی‌توجه به این مسائل از وحدت مسلمانان حرف می‌گوید، مثلاً وقتی حرف‌های دردآور ابن‌خلدون را در فصل دوازدهم صفحه ۵۱۵ نقد می‌کند می‌گوید: ولی دیگر دوران دشمنی سپری شد و هنگام برادری فرارسید و وقت آن رسیده که تمام مسلمانان به شهرستان علم پیامبر (ص) درآیند و ...

گاهی هم که سخنان و اهانت‌های افراد متعصب خیلی برای او سخت و گران تمام می‌شد به خداوند رو می‌آورد و با جملاتی چون «لا حول و لا قوة الا بالله، پروردگارا ما را به زشتکاری‌های نادانمان مگیر، ای مرگ بیا که زندگی ناپسند است و ...»^{۱۸} شکیبایی پیشه کرده به پاسخ‌های منطقی اکتفا می‌کند.

بالاخره، انصاف، اعتدال، بزرگواری و گذشتو در چارچوب ۱۸. برای نمونه مراجعه شود به در راه تفاهم، ص ۲۰۹، ۲۱۷، ۲۵۲، ۲۳۷، ۲۵۱.

راه پیموده و فقهی مخصوص به خود اختراع کرده‌اند که بر پایه تفسیق بعضی صحابه و عصمت ائمه و ... نهاده شده، ولی تمام این اصول و پایه‌ها سست است» می‌گوید: آیا این روش‌ها موجب فاصله نیست، به پروردگار کعبه و فرستنده پیغمبران سوگند که چون این جا رسیدم مانند شخصی سرگردان و قفه‌ای نمودم، چون وحشت زدگان از جا جستم، چه گمان نمی‌کردم کار به این جا برسد.

در فصل نهم پس از نقل اتهام‌هایی که به شیعه رانده شده است می‌گوید: آن حریصان دنیا چه رسوایی که به بار نمی‌آورند و مردم دون همت جاه طلب، چه نگفتنی است که به دنبالش چهار پاشنه نمی‌دوند! ... اگر اینها نبودند دل‌ها به هم پیوند بود و روح یگانگی و اتحاد در مسلمانان ها دمیده می‌شد و دیگر آزمندی و دست طمع به سوی آنها دراز نمی‌گشت ... ولی افسوس این تبهکاران نمی‌گذارند؟؟

در لابه لای کتاب به خصوص در مقدمه فصول، حرص مؤلف به اتحاد مسلمانان کاملاً مشهود است، آن جا که اجرای احکام الهی، ترقی مسلمانان، آزادی ملل مسلمان و درک حقایق و واقعیات را جز در سایه تقریب، همبستگی، اجتماع و وحدت اسلامی نمی‌داند.

تقریب عملی در فصول المهمه

مؤلف علاوه بر این که تئوری و راهکارهایی برای تقریب ارائه داده است خود نیز عملاً در تدوین این کتاب رعایت مسائلی را که در تقریب و پیمودن این راه ضروری است کرده است که به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱. رعایت احترام: شرف‌الدین (ره) در فصل دوازدهم بی‌حرمتی و تکفیر، تحقیر و فحاشی مذاهب را مهمترین دلیل تفرقه مسلمانان می‌داند و با درک این مطلب، خود همیشه سعی در حفظ احترام دارد، لذا در سراسر کتاب از اهل سنت و اشخاص با تجلیل و یا حداقل با پرهیز از بی‌احترامی یاد می‌کند، مگر آن جایی که شخصی به سبب ارتکاب گناه و دروغ‌پردازی‌های زیاد برای خویش احترام باقی نگذاشته باشد و کسی که خود برای خودش احترام قائل نباشد، نگه داشتن احترام او برای دیگران هم لازم نخواهد بود.

مؤلف به اهل سنت کوچک‌ترین توهینی نمی‌کند، بلکه همیشه با تعبیرهایی همچون «برادران اهل سنت، اهل جماعت، جمهور و ...» و از اشخاص نیز در بسیاری موارد با ذکر القاب و رحمت یاد می‌کند. حتی آن جا که جملات زنده ابن‌خلدون را (در فصل دوازدهم آخر صفحه ۴۶۵) نقل می‌کند از او به «علامه ابن‌خلدون»

منطق حرکت کردن از دیگر خصلت های مؤلف است که در راستای تقریب در تدوین کتاب فصول المهمه اعمال کرده است و به سبب رعایت اختصار از وارد شدن در این میادین چشم پوشی می نمایم.

فصل سوم: راهکارها

در این فصل که در حقیقت مهمترین مباحث و مطالب ما را در این موضوع به عهده دارد به راهکارها و راه حل ها و شیوه هایی می پردازیم که مؤلف در راه اتحاد و تقریب مؤثر می داند و آنها را در این کتاب دنبال و اعمال کرده است، البته این راهکارها نه به صورت صریح، بلکه از تحلیل مباحث و لابه لای مطالب این کتاب و نحوه انتخاب و چینش آن در خور درک و اخذ است.

الف. ارجاع به متون دینی

شاید هیچ عاملی در اثبات لزوم تقریب و وحدت برای یک فرد مسلمان، به اندازه آموزه های متون دینی مسلمانان مؤثر نباشد. به همین جهت مؤلف اولین فصل کتاب خویش را به این آموزه ها اختصاص داده است و سعی کرده است با برشمردن آیات و روایات صریح، اختلاف و فاصله گرفتن مذاهب از همدیگر را مخالف با دستور شرعی و آموزه دینی معرفی نماید و اختلاف را ناشی از عدم درک اخلاق اسلامی می داند. در حقیقت مؤلف می خواهد با این شیوه، مسلمانان را به متون اصیل و مشترک بین همه مذاهب بیشتر توجه داده، اولویت آن را برای حکم و داوری ثابت نموده نهادینه سازد.

ب. اثبات ظرفیت مذاهب برای وحدت

شرف الدین (ره) نه تنها دست برداشتن از اصول و ضروریات مذهب و کوتاه آمدن در راه تقریب و اتحاد را لازم نمی داند، بلکه سعی می کند همه را به اعماق مذهب شان کشانده به اصول، ضروریات و ظرفیت های آن ارجاع و توجه دهد. مؤلف معتقد است هر مذهب در متن خود مسائلی برای امکان جمع و تقریب دارد و به همین منظور بیشترین حجم کتاب خویش را در این زمینه قرار داده است، مثلاً فصل هشتم را که تقریباً نصف همه کتاب را تشکیل می دهد به مسأله اجتهاد و تصویب اهل سنت اختصاص داده است که با این مسأله اهل سنت می توانند با دیگر مذاهب کنار آیند. او با برشمردن موارد و بدعت هایی، که نه تنها با مبانی مذاهب بلکه اصولاً با مبانی اسلامی سازگاری ندارد، ولی با اصل اجتهاد و تصویب نزد اهل سنت حل و هضم گردیده است کنار آمدن اهل سنت را با شیعه سهل می داند.

همچنین در فصل چهارم شیعیان را به فرمایشات ائمه (ع) ارجاع می دهد که به معاشرت و رابطه با اهل سنت دستور داده آنان را در تمام آثار که بر هر مسلمانی مترتب می گردد همچون شیعه بدانند.

ج. شناسایی علل اختلاف

بدون تردید، مهمترین گام برای زدودن و از بین بردن اختلافات، شناسایی علل و زمینه آن می باشد چه این که رفع اختلاف، فرع شناسایی و دستیابی علل آن است و وارد شدن در میدان تقریب، بدون شناسایی علل اختلاف مثل کسی است که در میدان جنگ بدون سلاح حاضر گردد که البته شکست او قطعی است، از این رو شرف الدین (ره) علل اختلاف و فاصله شیعه و سنی را در دو جنبه نارضایتی اهل سنت از شیعه و شیعیان از اهل سنت بررسی می کند. او در فصل دوازدهم علت فاصله گرفتن شیعه از اهل سنت را دو امر می داند:

۱. تکفیر، تحقیر، فحاشی و نیرنگ اهل سنت با شیعه. فصل نُه، ده و یازدهم می تواند نمونه های این امر باشد که در آنها تکفیر شیعیان در کتاب «فتاوی الحامدیه»، تحقیر و نسبت های دروغی که علمای درباری حکام بنی امیه و بنی عباس و علمای ترسویی که از اشاعه مذهب شیعه هراس داشتند و علمای بی خبر و ناآگاه از حقیقت مذهب شیعه به وقوع پیوسته است و همچنین دروغ ها و نیرنگ های ابن حزم و شهرستانی و ... به وضوح دیده می شود.

۲. کناره گیری و بی اعتنایی اهل سنت از اهل بیت پیغمبر (ص) دلیل دیگر بر تنفر شیعیان از اهل سنت قلمداد می گردد. مؤلف در این رابطه می گوید: تمام روایات اهل سنت از اهل بیت (ع) به تعداد روایت بخاری از عکرمه نمی رسد و شخص بخاری حتی یک روایت از اهل بیت (ع) نیاورده است.^{۱۹}

بی حرمتی و کلمات ناشایسته این خلدون در مورد اهل بیت (ع) مبنی بر این که فقه و مسیر اهل بیت (ع) خلاف قاعده است،^{۲۰} نمونه دیگر از این بی اعتنایی است.

اما سبب تنفر و جدایی اهل سنت را از شیعه، برچسب ها و دروغ و تهمت هایی می داند که از سوی منافقان و دشمنان شیعه به شیعیان نسبت داده شده است. مؤلف ضمن نقل و نقد این تهمت ها در فصل دهم می گوید: این تهمت ها همگی باطل است، مگر مسأله صحابه که در آن نیز شیعیان اثنی عشری تعادل را حفظ کرده اند، نه مثل جمهور همه را چشم بسته پذیرفته اند و نه مثل برخی غالیان همگی را رد کرده اند، بلکه با دید نقادانه به تجزیه صحابه پرداخته اند که البته در این زمینه شیعیان به بسیاری از صحابه گرانقدر پیامبر (ص) اقتدا کرده اند، اما آنان که همه صحابه را به یک چوب رانده اند کاملی هاست، نه شیعیان اثنی عشری.

مؤلف علاوه بر این علل، نقش ملل نویسانی چون ابن حزم و شهرستانی را در ازدیاد و تکثر فرق و دامن زدن به اختلافات، متغنی نمی داند و به صورت ضمنی در فصل دهم به آن اشاره می کند.

۱۹. در راه تقاضا، ص ۲۴۷ و الفصول المهمه، ص ۲۶۴.

۲۰. فصول المهمه، ص ۴۶۵.

د. خشکاندن ریشه‌های تعصب

پس از آن که معلوم شد مهمترین علت اختلاف میان شیعه و سنی، تکفیر، تحقیر، اهانت و تعصب جاهلانه است مؤلف در موارد مختلف کتاب سعی کرده است این مرض را با شیوه‌های مختلف درمان نماید که به برخی از این شیوه‌ها اشاره می‌شود:

۱. استدلال: مؤلف سعی می‌کند در همه جا جلو هرگونه هجمه و افترا را با استدلال و منطق دفع نماید؛ این مسأله در تمام کتاب محسوس است تا شیوه مناظره را از تعصب و خشونت به استدلال مبدل سازد.

۲. توجه دادن به آثار شوم تعصب و تکفیر: مؤلف در این زمینه پس از نقل فتوای کتاب فتوی الحامدیه در فصل نهم می‌گوید: آیا صاحب این فتوا می‌فهمد که با این حرف چه خون‌های پاک و بی‌گناهی از مسلمانان و اهل شهادتین ریخته شد، چه زنان آزادی که اهل نماز و شکرگزار خداوند بودند و به اسارت رفتند... در نتیجه چه عزت‌هایی را از اسلام و مسلمانان نابود کرده مبدل به ذلت ساخت.

۳. برجسته کردن و تمجید از سخنان مسالمت‌آمیز و اهل انصاف: بدین منظور مؤلف فصل ششم کتاب را به فتوای بزرگان اهل سنت اختصاص داده است که همه اهل توحید و شهادتین را مؤمن و اهل نجات می‌دانند، همچنین از افرادی چون صاحب الاصابه، اسدالغابه و مصطفی صادق به سبب رعایت اعتدال و انصاف شان، قدردانی می‌کند.^{۲۱}

بالاخره تذکر به حرمت مؤمنین، جایگاه شیعه در روایات، جایگاه اهل سنت نزد اهل بیت (ع)، تبرئه شیعیان از عقاید شرک‌آمیز و... از دیگر طرق است که با تمسک بر آنها مؤلف در صدد فروکشاندن تعصب می‌باشد.

ه. دقت در معنای اسلام و ایمان

راهکار دیگر مؤلف در راستای تقریب تعصبات در معنی اسلام و ایمان است، چه این که در طول تاریخ به سبب عدم دقت در این مسأله و تضییق دایره اسلام و ایمان، بسیاری از مسلمانان و مؤمنین قربانی جهل و نادانی گردیده‌اند.

شرف‌الدین (ره) فصل دوم کتاب را در این مورد قرار داده است. او با استناد به روایات، شهادتین را در صدق اسلام و ایمان کافی می‌داند و خون و مال تمام کسانی را که اهل شهادتین «لا اله الا الله، محمد رسول الله» باشند و عملاً ضروریات اسلام همچون نماز، حج، زکات و... را انجام دهند، مصون می‌داند. فصول سوم و چهارم را نیز مؤلف در تأیید این معنا قرار داده است که اهل شهادتین همگی مسلمان و اهل نجات هستند. با این تعریف از اسلام مطمئناً اختلاف و تفرقه بی‌معنا است و دیگر جایی برای تکفیر نمی‌ماند.

و. معرفی و تنقیح عقاید مذاهب

بدون شک جهل افراد به عقاید مذهب مخالف و برجسته شدن مسائل حاشیه‌ای و بعضاً خرافات به جای واقعیات و عقاید بنیادی و همچنین نسبت‌های نادرست از سوی مخالفین از علل مهم عداوت و دوری فرق اسلامی است و بهترین راه حل در این زمینه، معرفی شفاف عقاید و تنقیح مسائل اصلی از پیرایه‌های خرافی بزرگان و مصلحان مذاهب می‌باشد.

به همین منظور، شرف‌الدین (ره) در صدد معرفی شیعه برآمده و سعی کرده است هر آنچه که ذهن اهل سنت را به شیعه مخدوش کرده است، روشن نموده صحیح آن را از سقیم جدا نماید، لذا در فصل دهم و یازدهم با رد اتهامات مخالفین، شیعیان را در رعایت و دقت احکام الهی حریص می‌داند و تحریف قرآن را با رأی و مبنای مشهور شیعه سازگار ندانسته متفی می‌داند.

او در فصل هفتم شیعه را چنین معرفی می‌کند: کسانی که در دین از علی و خاندان او (ع) پیروی می‌کنند و عقاید دینی و فقهی شان به آنها (ع) منتهی شده رفتار و آداب دینی را از ایشان (ع) آموخته‌اند، به امامت و رهبری شان (ع) گردن نهاده اخلاقاً پایبند تولا و تبراً هستند و با توسل و پیروی از دو منبع دینی «قرآن و عترت» آن را توفیق الهی قلمداد می‌کنند و همچنین در این فصل از جایگاه شیعیان در میان روایات پیامبر (ص) سخن می‌گوید.

در مسائل جنجالی و اختلافی مؤلف سعی دارد مشهورترین و نزدیک‌ترین مبنای شیعه به اهل سنت را انتخاب نماید، لذا با رد هرگونه زیان‌درازی شیعیان به عایشه و تبرئه او از افک و اتهامات گفته شده، بین نقد شیعه و نسبت افک و اتهام به عایشه تفکیک قائل می‌شود، همچنین بدگویی شیعیان از ابوبکر، عمر و... را منتفی دانسته شیعه را مبراً از این مسائل می‌داند.^{۲۲}

با توجه به حساسیت اهل سنت به دیدگاه شیعه به صحابه، حدود ۲۱۳ نفر از بزرگان صحابی و تابعی را نام می‌برد که همگی دارای گرایش شیعی و الگوی شیعیان در انتخاب مسیر هستند.

کلام آخر این که تلاش و پیگیری مداوم و راهکارهای شرف‌الدین (ره) و امثال او بعد از مدت‌ها و حوادث و اتفاق‌های ناگوار فراوان به بار نشست و مذهب شیعه با احترام کامل از سوی بزرگان اهل سنت به رسمیت شناخته شد، چه این که این مسأله از مهمترین هدف شرف‌الدین (ره) از تقریب بود و بعد از این نیز ان شاء الله فاصله‌ها کمتر خواهد شد «به امید روزی که اتحاد کامل میان مسلمانان برقرار گردد ان شاء الله».

۲۱. همان، ص ۴۳۴ و ۵۱۹.

۲۲. همان، ص ۳۸۲ به بعد.

